

چین۔ اویغور شناس

برپہاں سیرغ تا سر زینہ چین

نادرہ بدیع



چین - اویغورشناسی

برپرمای سمرغ تاسرزمین چین

نوشته:

نادره بدیع



انتشارات آرون

سرشناسه	: بدیعی، نادره، ۱۳۳۹.
عنوان و نام پدیدآور	: چین - اویغورشناسی، بر پرهای سیمرغ تا سرزمین چین / تألیف: نادره بدیعی.
مشخصات نشر	: تهران، آرون، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ۱۴۸ ص.
شابک	: ۱ - ۴۹۱ - ۳۳۱ - ۹۶۴ - ۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
موضوع	: اویغورها - چین - تاثیر ایران
موضوع	: Uighur (Turkic people) - China - Iranian Influences
موضوع	: تاجیکان - چین - Tajiks - China
موضوع	: سفرنامه‌های ایرانی - Travelers' writings, Iranian
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۶ ب ۴ ۸ الف / DS۷۳۱
رده‌بندی دیوبی	: ۹۵۱/۰۱
شماره کتابخانه ملی	: ۴۸۱۰۵۰۶



آرمانشهر

چین - اویغورشناسی

بر پرهای سیمرغ تا سرزمین چین

نوشته: نادره بدیعی

ناشر: انتشارات آرون

چاپ اول: ۱۳۹۶

چاپ مدیران: ۱۰۰۰ نسخه

۱۸۰۰۰ تومان

نشانی: میدان انقلاب - خیابان ۱۲ فروردین - خیابان وحید نظری - نرسیده به خیابان منبری جاوید

تلفن: ۵۱ - ۶۶۹۶۲۸۵۰

پلاک ۱۰۵ - واحد ۳

وبسایت: www.Arvanashr.ir

ایمیل: Arvanashr@yahoo.com

فهرست مطالب

پیشگفتار	۷
بر پره‌ای سیم‌رغ تا سرزمین چین	۷
سفر به شین جیان چین	۱۵
تیمور دوامت	۲۵
«بانوی خوشبو» ملکه ایرانی چین	۳۵
روشنگری مترجم	۴۵
تاریخ و فرهنگ تاجیکان چین	۴۷
نقد این «نی نامه جامی» بخوان!	۷۷
ادبیات فارسی در چین	۱۰۱
سخنی کوتاه پیرامون نفوذ زبان و فرهنگ ایرانی در چین	۱۰۹
سفری دوباره به شین جیان چین	۱۱۹
تصاویر	۱۳۵

پیشگفتار

بر پرهای سیمرغ تا سرزمین چین^۱

کتابی را که هم اینک در دست دارید پنجمین کتاب از زنجیره‌ی کتاب-های چین- اویغورشناسی من است که به چاپ رسیده است و امروز شادمانم که باری گران را که بر دوش گرفته بودم به انجام و سرانجام رساندم و تا آنجا که در توانم بود توانستم این بایسته‌ی فرهنگی خود را به جای آورم که اگر چنین باشد مایه‌ی سرافرازی من در پیشگاه فرهنگ سترگ و انسان‌ساز ایرانی و همه‌ی هم میهنان ارجمندم خواهد بود.

این پنج کتاب دستاورد سفر فرهنگی من به چین است و درازنای سه سالی را که در چین گذراندم، دو سفر دراز آهنگ به ایالت شین‌جیان (ترکستان شرقی) داشتم که با تاجیکستان و افغانستان - بخش خاوری ایران بزرگ تاریخی و فرهنگی - هم مرز است و این سه سال زمینه‌ساز آشنایی من با زبان و فرهنگ اویغوران چین شد که یکی از پنجاه‌وشش قوم آن سرزمین هستند. اویغوران قومی مسلمان و ترک‌زبان‌اند که در ایالت شین‌جیان، ایالت باختری چین، زندگی می‌کنند و مهم‌ترین و اصلی‌ترین قوم مسلمان چین در

^۱ برگرفته از سروده‌ی پیر نیشابور، عطار. که فرمود:

ابتدای کار سیمرغ ای عجب

جلوه‌گر بگذشت بر چین، نیم‌شب

کنار قزاق‌ها، ازبک‌ها و ایرانی‌تبارانی چون سالارها و تاجیکان به شمار می‌روند.

در این دو سفر چون دریافتیم که زبان اینان سرشار از واژه‌های فارسی است نخست به بیرون کشیدن واژه‌های فارسی آن زبان پرداختیم که پیامد آن کتابی شد که آن را در چین به پایان بردم با نام «*واژه‌های فارسی در زبان اویغوری چین*» که بیش از هشت هزار و پانصد واژه‌ی فارسی را در بر می‌گرفت و پس از بازگشتم به ایران چاپ و منتشر شد^۲ که به روشنی رخنه‌ی زبان فارسی، فرهنگ ایرانی، شعر و موسیقی و هنر، آیین‌ها و سنت‌ها و ترادادها و ... ایران را در زبان اویغوران نشان می‌دهد. چرا که همه‌ی این اصطلاحات و واژه‌های فرهنگی، هنری، موسیقی، شعر و ادبیات، پزشکی و حتی واژگان روزمره‌ی اویغوران فارسی است.

پس از این فرهنگنامه که پایه‌ی کار من بود به دیگر بخش‌های فرهنگ اویغوران پرداختیم که موسیقی و رخنه‌ی موسیقی ایرانی در شین‌جیان چین و در میان اویغوران پژوهش دیگر من بود که با نام «*موسیقی ایرانی در چین*» منتشر شد.^۳ در این کتاب به بررسی رخنه‌ی موسیقی ایرانی در چین از روزگاران کهن پرداخته‌ام و نشان داده‌ام که چگونه نام دستگاه‌ها، سازها، بسیاری از گوشه‌ها و مایه‌های موسیقی اویغوری، ایرانی و پارسی است، مانند مقام چهارگاه، مقام نوا، دو تار، سه تار، دف، تنبک و ... و به نوشتارها و گفته‌های خود چینیان و اویغوران استناد کرده‌ام که موسیقی از ایران به چین و میان اویغوران رفته است. سپس دو کتاب دیگر را از زبان پارسی به

^۲ فرهنگ واژه‌های فارسی در زبان اویغوری چین، نادره بدیعی، بنیاد نیشابور نشر بلخ،

تهران، چاپ اول، ۱۳۷۷

^۳ موسیقی ایرانی در چین، نادره بدیعی، انتشارات پارت، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۳

اویغوری برگرداندم که این دو کتاب نخستین کتابهایی هستند که از این زبان به پارسی برگردانده شده‌اند که یکی از این کتابها درباره‌ی رخنه‌ی معماری، ساختمان‌سازی و مهرازی ایرانی در شین‌جیان چین است که حضور قاطع شیوه‌ی مهرازی و ساختمان‌سازی ایرانی را در شین‌جیان نشان می‌دهد و روشن می‌کند که بسیاری از اصطلاحات مهرازی در شین‌جیان پارسی است مانند آجر، کاشی، خشت، ایوان، پیش‌ایوان و

کتاب دیگر با نام تورپان که شهر مانویان چین است و در پیرامون این شهر دست‌کندهایی وجود دارد که به گونه‌ای شگفت‌انگیز آثار مانویان و نقاشی‌های آنها را می‌نمایاند و در بزرگ‌ترین پژوهش باستان‌شناسی که در چین انجام گرفت چند هزار لوح گلی یا گل‌نوشته از این دست‌کندها به دست آمد که به هزار غار بودا نام‌آور شد. این گل‌نوشته‌ها که بر آنها خط پهلوی مانوی و گاه سغدی به چشم می‌خورد و فرهنگ و هنر، مهرازی و نقاشی، پزشکی، خوشنویسی، تذهیب و زنگاری و ... مانویان را به چشم زیباپسندان و زیبایی‌شناسان و پژوهشگران فرهنگ و هنر ایرانی می‌نشانند و حتی بسیاری نسخه‌های پزشکان مانوی که پزشکی گیاهی و به اصطلاح سنتی ایران را در آنجا رواج می‌دادند به دست آمد که این هر دو کتاب به زودی منتشر می‌شوند.^۴

اینک پنجمین کتاب را پیش چشم دارید که در برگزیده‌ی جستارهایی چند درباره‌ی اویغوران و تاریخ و فرهنگ و هنر اینان و رخنه‌ی فرهنگ ایرانی در میان آنان است. این کتاب از نه بخش پدید آمده که در بخش نخست با اویغوران، وضعیت جغرافیایی، زبان و خط اویغوری و نمودهایی از فرهنگ

^۴ این هر دو کتاب را انتشارات علمی و فرهنگی، هم‌اینک زیر چاپ دارد که به زودی منتشر خواهد شد.

آنان آشنا می‌شوید. دومین بخش معرفی تیمور دوامت، شاعر بلندآوازه‌ی اویغور است که برای نخستین بار سروده‌هایی از او را به شعر پارسی برگردانده‌ام و بخش‌هایی از پیشگفتار یکی از کتاب‌های شعر او یعنی «مشعل حیات» را نیز ترجمه کرده‌ام که خواهید خواند. در بخش‌های دیگر کتاب به «شیان‌فی» یا بانوی خوشبو، ملکه‌ی ایرانی چین پرداخته‌ام که ماجرای زندگی‌اش دستمایه‌ی بسیاری از نویسندگان، نمایشنامه‌نویسان و آفرینندگان اپرای پکن شده است. او نقشی بسیار جالب در تاریخ چین داشته است. بانویی ادیب و درویش‌مسلك.

دو بخش دیگر کتاب را به تاجیکان چین ویژه کرده‌ام که در بخش نخست گزیده‌هایی از کتاب تاریخ ملیت‌ها در شین‌جیان را ترجمه کرده‌ام که نشان می‌دهد با افسوس اویغوران و مورخان چینی امروز، کمتر آشنایی با فرهنگ و تاریخ ایران دارند و به راستی شناخت اینان از دانش و فرهنگ ایرانی بسیار سطحی و بی‌پایه است که شاید یکی از علت‌های آن تأثیر کمونیست‌های چین بر اندیشه‌ی اینان باشد و آدمی به افسوس می‌نشیند که چرا در روزگاران گذشته که پیوندهای بسیاری میان ایران و چین بود و بازرگانان، هنرمندان، موسیقی دانان و نقاشان و حتی ادیبان و فرستادگان سیاسی و اقتصادی از دو راه ابریشم آبی و راه ابریشم خاکی معروف به چین می‌رفتند و می‌آمدند، هر دو کشور و مردمانش با فرهنگ هم آشنایی داشتند و به یاد بیاوریم چگونه ادب پارسی سرشار از جلوه‌گری‌های بتهای چینی و خلّخی و آهوی ختن بود فسوسا که امروز این چنین بی‌خبر و ناآگاهانه تا آنجا که حتی درباره‌ی اوستا، کتاب سپنتای زرتشتیان ایران، دچار پندار و انگاشت و وهم و گمان شده‌اند و چگونه درباره‌ی این کتاب و ریشه‌های تاجیکان چین به راه نادرست رفته‌اند. در برابر بخوانید پژوهش میدانی مرا درباره‌ی تاجیکان چین که به گونه‌ای جامعه‌شناسی تاجیکان چین است که

درباره‌ی آداب و رسوم، فرهنگ، ترادادها و سنت‌ها، لباس، موسیقی، هنرهای دستی و ... تاجیکان پژوهیده‌ام و به همراه آن در سفری به تاشقورقان که سرزمین تاجیکان است به پژوهش میدانی در آنجا دست یازیدم و پیامد آن پژوهشی گسترده درباره‌ی تاجیکان چین شد که در این کتاب می‌خوانید. من دوبار درباره‌ی تاجیکان چین در انجمن دوستی ایران و تاجیکستان و افغانستان و نمایشگاه جهانی کتاب سخنرانی کرده‌ام و این پژوهش بسیار توجه و نگرش اهل فرهنگ را برانگیخت.

من از شما خوانندگان گرامی کتاب می‌خواهم که هر دو بخش را که درباره‌ی تاجیکان است یکی از دید چینی و دو دیگر از دید من ایرانی بخوانید و خود داوری کنید و به من حق بدهید که نوشتم آدمی به افسوس می‌نشیند از این همه ناآگاهی و بی‌خبری که در این روزگاران نسبت به تاریخ و فرهنگ ایران است.

اینک که سخن به ادب پارسی رسید در بخشی دیگر از این کتاب شما سه بخش را می‌خوانید که این هر سه تأثیر ادبیات پارسی در چین را نشان می‌دهد که چگونه در سده‌های پیشین ما چنان رخنه‌ی فرهنگی در چین داشتیم که حتی، حتی امام مسجد نیوجیه که مهم‌ترین مسجد پکن با قدمتی هفتصدساله است از ایران گسیل می‌شد و چه شد و به کجا شد آن همه شکوه و فر فرهنگ ایران و رهبری دل‌ها و رهبری هزاران ساله‌ی ایران و فرهنگ ایرانی بر دل‌ها و اندیشه‌ها و ایمان‌ها ... افسوس.

در اینجا بایسته است بیفزایم که اویغوران خود را همان تورانیان می‌دانند و فرزندان تور برادر سلم و ایرج فرزندان فریدون، شاهنشاه ایران زمین، که هنوز و هم چنان آثاری از شهرهای کهن و ویران‌شده‌ی تاریخی را در سرزمین اویغوران می‌یابید هم چون بلاشگان یا بلاساغون و گوسهن و ...^۵ که

^۵ گوسهن = گوسان = خنیاگری که واژه‌ای پهلوی است.

آدمی را با خود به چند هزار سال پیش می‌برد و در زمانی پس از آن اویغوران به دین مانی درآمدند و مانوی شدند و فرستادگان مانی را با آغوش باز پذیرفتند و در آن دست‌کندها که به آن اشاره کردم مغان مانوی به اعتکاف می‌نشستند و به آموزش و نبوشاندن فرمان‌های آیینی مانی به اویغوران می‌پرداختند. هنگامی که در سده‌ی گذشته این دست‌کندهای مانوی به همراه بسیاری از اسناد تاریخی و فرهنگی و هنری مانویان کشف شد آن را بزرگ‌ترین کشف تاریخی سده‌ی بیستم میلادی نام نهادند.

پس آنگاه که اویغوران به اسلام گرویدند چند سده پس از پذیرش اسلام به ایران تاختند و بر ایران فرمانروا شدند و زیر تأثیر و خَلَد فرهنگ ایرانی با ادب و شعر، هنر و موسیقی، مهرازی، رقص، عرفان و ... رفتند و این فرهنگ و هنر را با خود به شین‌جیان امروزی بردند... اویغورانی که ایران را تسخیر کردند و فرمانروای ایران شدند در تاریخ به نام سلجوقیان می‌شناسیم و می‌دانیم که چگونه سلجوقیان و پادشاهان سلجوقی با یاری وزیران ایرانی‌شان «ایرانی‌اندیش» شدند و به همراه دستی پر از فرهنگ و هنر پربار ایرانی به سرزمین خود بازگشتند و امروزه سده‌ها و سده‌هاست که با فرهنگ ایرانی می‌زیند. در نخستین بخش این کتاب خواهید خواند که اویغوران تا سال ۱۹۳۶ میلادی اساساً پارسی‌زبان بودند و از آن زمان حکومت وقت آنان تلاش کرد تا زبان اینان را از پارسی به ترکی برگرداند و اینان را از فرهنگ ایرانی جدا نماید و تجزیه و جداسازی فرهنگی را در آن سرزمین پایه گذارد و ... تَفو بر چرخ گردون و تَفو بر استعمار فرهنگی.

در اینجا بایا می‌دانم که به شهر کاشغر که روزی یکی از شهرهای ایران بود اشاره کنم که امروزه روز پایتخت فرهنگی اویغوران است. کاشغر یا کاشیگر یا کاشیان روزگاری از شهرهای ایران بزرگ تاریخی و فرهنگی بود و پس از جداسازی و تجزیه‌ی بخش خاوری خراسان بزرگ از ایران - افغانستان

امروزی- و در گیرودارهای بازی‌های استعماری سده‌ی نوزدهم بخشی از خاور ایران بزرگ از جمله کاشغر به تصرف اویغوران درآمد و پس از آنکه چین، شین‌جیان را بخشی از سرزمین خود نامید این شهرها مانند کاشغر، یارکند، آذرکند و ... به گستره‌ی سیاسی چین افزوده شدند و به یاد بیاوریم سخن دانای پارس، سعدی بزرگوار، را که فرمود ... «به جامع کاشغر درآمدم پسری دیدم نحوی گفت از سخنان سعدی چه داری؟!» و همین چند جمله‌ی سعدی نشانگر آن است که جهان با فرهنگ آن روزگار در پرتو فرهنگ ایرانی می‌زیست چنانکه هنوز و هم چنان در همه‌ی مدرسه‌های آیینی مسلمانان شین‌جیان کتاب‌هایی هم چون مثنوی شریف، بوستان و گلستان سعدی، آثار جامی و ... به زبان پارسی تدریس می‌شود.

... در پایان بایا می‌دانم که بازهم به این نکته اشاره کنم که این پنج جلد کتاب که دستاورد سفر فرهنگی من به چین است پیامد صدهای کیلومتر سفر در چین و ایالت شین‌جیان و دور افتاده‌ترین شهرهای آن سامان است که به همراه همسر من که در آن زمان استاد مدعو زبان فارسی در دانشگاه پکن بودند و دو فرزند خردسال و با یاری زنده‌یاد پروفیسور یه ایلینگ، استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پکن و همسر گرامی‌شان که خود استاد زبان فرانسه در همان دانشگاه بودند رخ داد. یاد مهربانی‌ها و همراهی‌های پروفیسور یه ایلینگ را گرامی می‌دارم که در هر دو سفر درازآهنگی را که در شین‌جیان چین داشتیم همه جا همراه و یاور راهنمای دلسوزمان بودند.

بی‌گمان اگر این دو سفر و امکانی را که در آن زمان یافتیم و گردش روزگار مرا به چین و ماچین و ملک ختا و ختن نمی‌برد هرگز این پژوهش‌ها انجام نمی‌شد و شاید هرگز هم میهنان گرامی‌ام از وجود گستره‌ای بزرگ از زبان و ادب پارسی در سرزمین چین ناآگاه می‌ماندند و باسرافرازی می‌گویم که رویارویی و شناساندن این گستره‌ی ادب و فرهنگ ایرانی در سرزمین

چین افتخاری بزرگ برای من است که به راستی زندگی فرهنگی‌ام را سال‌ها و سال‌ها زیر خلند و تأثیر خود گرفت و سالیان دراز، نزدیک به بیست‌وپنج سال همه‌ی تلاش من برای روشنگری این رخنه‌ی ژرف و بی‌چون و چرای فرهنگ ایرانی و زبان پارسی در چین بود و امیدوارم ... امیدوارم که تنها گوشه‌ای کوچک از بایسته‌ای بزرگ را که در پیشگاه سرزمینم، ایران بزرگ بر دوش داشته‌ام به انجام رسانده باشم که اگر چنین باشد بالشی و نازشی برای من است و یادگاری است که از خود برای ایران گرامی‌ام به جای می‌گذارم و باشد که دیگران نیز کار مرا به گونه‌های دیگر و در سرزمین‌های دیگر پی بگیرند و هر یک گوشه‌ای از فرهنگ‌بخشی ایران بزرگ فرهنگی و تاریخی را روشنگری کرده و نام بلند ایران را بلندآوازه‌تر سازند... که ایدون باد.

شمیران - امرداد ماه ۱۳۹۶

نادره بدیعی

سفر به شین جیان چین

کشور چین را ایالتی است خود مختار به نام «شین جیان»^۶ که در متن‌های قدیم فارسی از آن به نام «ترکستان شرقی» هم یاد شده است و از سوی باختر با کشورهای پاکستان، افغانستان و تاجیکستان، هم مرز است و شهرهایی نام‌آور و روستاهایی نامدار هم چون کاشغر، تورپان، تاشقورقان، یارکند (یارقند)، آذرکند (آذرقند) و ختن دارد و آثاری با شکوه و به جای مانده از شهر باستانی (بلاش گان) که در شعر مولوی (بلاساغون) آمده است:

گیرم به بلاساغون ترکی دو کمان دارد
زان دو چون یکی گم شد ما را چه زبان دارد؟

همچنین، ویرانه‌های شهر قدیم "یارگال" که امروز یارغال و با گویش محلی "یارغول" نامیده می‌شود و دهی کوچک در کنار شهر زیبای تورپان که هم چنان به نام «آستانه» مشهور است و صحرای تکله مکان، صحرای ختن و بیابان کاشغر که بسیار در ادب فارسی از آنها یاد شده است جزء این ایالت به شمارند.

شین جیان، با مساحتی نزدیک به وسعت خاک امروزی ایران، از دیرباز هم چون چهارراهی بر گذرگاه فرهنگهای گوناگون قرار داشته است چرا که

^۶ نک به شماره ۱ در پایان نوشتار

دو جاده شمالی و جنوبی ابریشم که از سرزمین چین تا دورترین نقاط باختر آن روزگاران کشیده شده بود در شین جیان به هم می‌پیوست و سپس از «هفت آب فرغانه»^۷ و ایران زمین می‌گذشت و به سوی باختر می‌رفت.

در شین جیان از دیرباز زبان فارسی (سغد و خوارزم قدیم) که در خراسان بزرگ و ماوراءالنهر (ورا رود) بدان سخن می‌گفته‌اند زبان رسمی ادبی و فرهنگی بوده است و درازنای تاریخ، بزرگانی از این سرزمین برخاسته‌اند که در ادب و فرهنگ و زبان ایرانی نام آورند که با نگاهی کوتاه به کتاب "الانساب" سمعانی، می‌توان نامهای بی‌شمار از این بزرگان را فرا یافت.

در این ایالت، اقوامی گوناگون زندگی می‌کنند که جزء ملیتهای چین به شمار می‌آیند و این اقوام، تاجیکان، قرقیزها، ازبکها، قزاقها، اویغورها و گروهی چینی را نیز در برمی‌گیرد که یا در شهرها زندگی می‌کنند و یا چادرنشین‌اند و «سرکوهی»^۸ و در اوبه (آبه - آوه)ها می‌زیند و به‌طور کلی به زبان تمام این اقوام «اویغوری» گفته می‌شود که این زبان ظاهراً شاخه‌ای از زبان ترکی است که با خط آنوئیزی فارسی نگاشته می‌شود (که در این باره روشنگری خواهیم کرد) و این زبان از سال ۱۹۳۶ م در این ایالت زبان رسمی اعلام شده است و به ترویج آن پرداخته اند.

نگارنده در تابستان سال ۱۳۷۰ ش، سفری داشتم به تمامی این مناطق که از شهر اورومچی مرکز این ایالت آغاز شد و از آثار تاریخی شگفت‌آور و به جای مانده از فرهنگهای کهن در این ایالت فعلاً می‌گذرم که خود جای «سخنی دیگر» دارد. در این نوشتار تنها به زبان اویغوری و چگونگی آن به اشارتی بسنده می‌کنم و «دیگر سخنها» را به نوشتاری دیگر وا می‌گذارم که فرهنگ ایرانی و زبان فارسی که حامل این فرهنگ و تمدن چند هزار ساله

^۷ نک به شماره ۲ در پایان نوشتار

^۸ نک شماره ۳ در پایان نوشتار

است چگونه ژرفنای دیگر فرهنگها و تمدنها را در نوردیده است و چگونه تا اعماق جان مردمان نفوذ یافته است و این از سرشت انسانی بودن فرهنگ ایرانزمین سرچشمه می‌گیرد.

اما با وجود ترویج زبان اویغوری و رسمیت یافتن آن، زبان فارسی هم چنان در آن منطقه و در میان اهالی آن ایالت که نزدیک به ۱۴ میلیون نفر جمعیت دارد رایج است، تا آنجا که واژگان فعال روزمره زندگی در این ایالت و به ویژه در کاشغر، لغات و اصطلاحات فارسی است. در تمامی این ایالت، به جای واژه Reception واژه "قبول خانه" و به جای "قصایی" واژه "گوشخانه" رایج است و بر سر در همه فروشگاههای بزرگ چند طبقه، واژه بسیار زیبا و خوش آهنگ "سوداسرا" نوشته شده است. در برابر واژه بیگانه «رستوران» هنوز واژه بسیار قدیمی «آشخانه» و به جای کلمه BAR فرنگی که در زبان فارسی بسیار ناموزون است در همه هتل‌های آن سامان واژه "میخانه" به کار می‌رود.

بر محصولات کارخانه قندحبه شین جیان که یکی از بزرگترین مراکز تولیدی آن منطقه است "قند بوستان" نوشته است و خیابان ورودی شهر تورپان نیز نام بوستان را دارد و نام مهمانخانه بزرگ شهر اورومچی، مرکز این ایالت "گوهرزمین" است و به مدرسه هم چنان مکتب می‌گویند و پارکهای عمومی را باغچه می‌نامند. بر دختران خود هنوز نامهایی هم چون "گل نگار"، "گل بوستان"، "دلریا"، "مریم" و "ماه خانم" می‌نهند و بر پسران خویش نامهای مذهبی هم چون محمد و ابراهیم و یعقوب، هنوز تاجر را "سوداگر" می‌خوانند و به خیاط هم چنان "درزی" می‌گویند، بیمارستان هنوز نام قدیمی "شفاخانه" را دارد و نانوايي "نانخانه" است.

مهمانخانه‌ای را که در کاشغر چند روزی خانه من شد، «سَمَن» نامیده بودند و در نخستین روز اقامتم در اورومچی برای خرید نان به یک «نانخانه»

رفتم و با زبان الکن چینی گفتم که «نان می‌خواهم» و سپس با اشاره به نان به ترکی گفتم «چورک» نانوا! با خنده و به زبان شیرین فارسی به شاگرد خویش فرمود «گِردِه نان می‌خواهد!» و مرا در برابر وسعت قلمرو فرهنگی زبان فارسی شرمنده ساخت. در بازار کاشغر که دائمی و سرپوشیده است با فروشندگان یا به گفته خودشان با «سوداگران» با زبان فارسی سخن گفتم و کاشغر به جز این بازار سرپوشیده که سر در آن به شیوه معماری اسلامی ساخته شده است، بازاری دیگر دارد که هر یکشنبه در فضایی باز و بسیار بزرگ برپا می‌شود که به آن، هم چنان «یکشنبه بازار» می‌گویند بگذریم.

زبان اویغوری در تمام ایالت شین جیان اساساً با خط فارسی نوشته می‌شود و در این منطقه یک چند خط فونتیک لاتین به کار رفت ولی پس از زمانی کوتاه، خط فارسی رسمی اعلام شد. خط فارسی شین جیان، چنان که در پیش یاد شد به گونه آوا نویسی است (حتی واژه‌های قرآنی و دینی) که برای روشن شدن خواننده این نوشتار چند نمونه می‌آورم: مثلاً واژه «مدت» در این خط به شکل «موددهت» نوشته می‌شود، یا واژه‌هایی هم چون «برابر» که به شکل «باراؤه ر»، «آستر» که به شکل «ئه سته ر» یا نمونه دیگر واژه امیدبخش، که به شکل «ئومید به خش» ثبت می‌گردد. نکته بسیار مهم در رسم الخط فارسی شین جیان این است که در این «هنجار دبیره» آن چند حرف که تنها ویژه زبان عربی است (ح- ص- ض- ط- ظ- ع) مطلقاً وجود ندارد! تا آنجا که واژه‌های عربی که به شکل فارسی شده آن در زبان فارسی رایج است در رسم الخط فارسی شین جیان با حروف فارسی نگاشته می‌شود مانند واژه‌های زیر:

امتحان = ئیمتیهان

حاضر = هازیر

اظهار = ئیزهار

مخصوص = مه خسوس

رعایت = ره ئایه ت

طبیعت = ته بیئه ت

در این رسم الخط (مد، آ) وجود ندارد و به جای «آ» و حرف «ع» در آغاز و میان واژه‌ها از شکل همزه (ئ) استفاده می‌شود، مانند:

آسمان = ئاسمان، آسان = ئاسان، آشپزخانه = ئاشپه زخانا

برای تشخیص تلفظ «واو W» از تلفظ «او O O» بر روی حرف «واو» نقطه‌گذاری می‌شود: آواز = ئاؤاز، در برابر مناسبت = موناسی‌ؤه ت یا دعوا = ده ژا در برابر آهو = ئاهو. نیز، واو معدوله در این رسم الخط نیست استخوان، استخان ثبت می‌گردد و تقریباً تمامی حروف «فا» به گونه «پ» تلفظ شده و نگاشته می‌شود مانند آفت = ئاپه ت و یا آفتاب = آیتاب و تلفظ نون غنه (Eng) در این رسم الخط به صورت قراردادی «ئڭ» نوشته می‌شود مثلاً واژه رنگ = ره ئڭ و واژه آهنگ = ئاهانڭ ثبت می‌گردد و چندین اصول و قواعد دیگر نیز برای این گونه آوانویسی وجود دارد که برای کوتاهی سخن از آن می‌گذرم.

دیلبه ری جانان خوش موری

شاد و خه ندان خوش موری

برگردان:

دلبر جانان خوش می‌روی

شاد و خندان خوش می‌روی

بیتی است برگرفته از یک ترانه اویغوری که نوار آن موجود و متداول است و چگونگی تلفظ واژه‌های فارسی را در زبان اویغوری نشان می‌دهد و تا

آنجا که فعلاً نگارنده از میان نزدیک به شش هزار و اندی واژه را که بررسی و ثبت نموده‌ام، چهار هزار و ششصد و هفتاد (۴۶۷۰) واژه فارسی است! و در اینجا تنها به این نکته اشاره و بسنده می‌کنم که این زبان، بسیار از زبانهای قدیم سغد و خوارزم و ماوراءالنهر (وَرارودان) تأثیر پذیرفته و مایه گرفته است و برای نمونه ردیف (آ) را در این نوشتار می‌آورم که در ستون نخست واژه‌های فارسی، در ستون دوم واژه‌های دخیل در اویغوری و در ستون سوم هر جا که لازم افتاده معنای واژه یا توضیحات دیگر را می‌نگارم، به دلیل اینکه برخی از واژه‌های فارسی دخیل در اویغوری، فارسی قدیم است که در زبان فارسی امروز ایران متروک مانده است مانند واژه تیار = طیار به معنای آماده (که این واژه هنوز در تاجیکستان و افغانستان رایج است) و گروهی دیگر از این واژه‌ها مستقیماً از زبانهای اوستایی یا پهلوی به ویژه پهلوی تورپانی که زبان مانویان آن منطقه بوده است یا پهلوی ساسانی که به همراه مهاجرت ایرانیان و همراهان بهرام چوبین در زمان حملهٔ عرب، به آن سرزمین، در آن منطقه رایج شد وارد زبان اویغوری گردیده است مانند واژه اوستایی - پهلوی (آتور - تور) به معنای آذر یا آتش که در نام شهر تورپان = نگهبان آتش کاملاً آشکار است (تور = آتش، پان = بان، که در تلفظ‌های اروپایی تورپان گفته می‌شود).

نکتهٔ دیگری که در این میان بسیار شایان نگرش است این است که واژه‌های عربی دخیل در اویغوری نیز از راه زبان فارسی وارد اویغوری شده است، از اینرو که واژه‌های عربی دخیل در اویغوری به شکل فارسی شدهٔ آن و وجه معنایی آن در زبان فارسی که در عربی اصولاً کاربرد ندارد در این زبان به کار می‌رود مانند واژه (تشریک)، یا واژه (خه ڤه ردار = خبردار) به معنی آگاه و مطلع که (خبر) عربی با پسوند فاعلی فارسی، این واژه را ساخته است و یا واژه (زیباره تگاه = زیارتگاه) با پسوند مکانی فارسی در زبان اویغوری به

کار می‌رود و دیگر آنکه در تمامی "معهد"ها و مدارس علمیه مسلمانان این منطقه، کتابهای اصلی درسی، به زبان فارسی است. کتابهای مثنوی کبیر و گلستان و بوستان سعدی، کتابهای اصلی درسی مسلمانان این منطقه می‌باشد و طبیعی است که واژه‌های عربی در این منطقه پایگاهی نداشته و ندارد.

اینک واژه‌های فارسی دخیل در اویغوری که با حرف (آ) آغاز می‌گردند. در اینجا آورده می‌شود با یادآوری این نکته که برخی واژه‌های فارسی در این زبان، به دلیل همسایگی و همزیستی با طوایف ترک، پسوندهای ترکی گرفته‌اند و سخن آخر اینکه، این نوشتار تنها پیش درآمدی است بر پژوهشی گسترده که امید آن دارم به گونه (فرهنگ واژه‌های فارسی در زبان اویغوری) در آینده منتشر گردد و اهل دانش اگر در این نوشتار خطایی رفته است بر من ببخشایند و یادآوری کنند.

واژه‌های فارسی	واژه‌های اویغوری با رسم الخط آوانویسی فارسی	توضیحات
آباد	ئاؤات	آباد
آبادی	مه هه لله	محله
آب جوجه	شورپس	شوربا
آب حیات	ئابی هایات	آب حیات
آبدار	مراب	میراب
آبدارخانه	چایخانه	چایخانه
آبدست	ته ره ت	طهارت
آبدیده	ته جربسی + لیک	با تجربه
آبرو	ئابرو	آبرو
آبرودار	ئابروی + لوق	آبرودار